

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روزنامه خاطرات منشی باشی

۱۳۳۲-۱۳۳۱ ق

میرزا محمد علی منشی باشی طبسی

۱۲۶۷-۱۳۴۵ ق

به اهتمام:

محمد باقری

سرشناسه	:	منشی‌باشی طبسی، محمدعلی، ۱۲۶۷ - ۱۳۴۵ ق.
عنوان و نام پدیدآور	:	روزنامه خاطرات منشی‌باشی ۱۳۳۲ - ۱۳۴۰ ق/
	:	میرزا محمدعلی منشی‌باشی طبسی
	:	به اهتمام محمد باقری.
مشخصات نشر	:	مشهد: آوای حکمت، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	:	۵۳۷ ص.
شابک	:	978-600-95-928-4-5
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	کتابنامه.
موضوع	:	منشی‌باشی طبسی، محمدعلی، ۱۲۶۷ - ۱۳۴۵ ق. -- خاطرات
موضوع	:	شعر فارسی -- قرن ۱۳ ق.
موضوع	:	Persian poetry -- 19th century
موضوع	:	نثر فارسی -- قرن ۱۳ ق.
موضوع	:	Persian prose literature -- 19th century
موضوع	:	براسن -- اوضاع اجتماعی
موضوع	:	Khorasan (Iran: Province) -- Social conditions
موضوع	:	خراسان -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳-۱۳۳۴ ق.
موضوع	:	Khorasan (Iran: Province) -- History -- Qajars 1779-1925
شناسه افزوده	:	باقری، محمد، ۱۳۰۰ -
رده بندی کنگره	:	۲۰۱۷DSR ۱۲۹۵ م ۷
رده بندی دیویی	:	۹۵۵/۸۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۴۰۳۷۴۳



انشارات آوای حکمت



انشارات بدخشان

روزنامه خاطرات منشی‌باشی

میرزا محمدعلی منشی‌باشی طبسی

به اهتمام محمد باقری

ناشر: آوای حکمت و بدخشان

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۵۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵-۳۲۸-۴-۵

فهرست مطالب

مقدمه	یک
مشخصات ظاهری نسخه	دو
نام کتاب	دو
کاتب نسخه	سه
اهمیت نسخه	چهار
سبک شاعری و نوشتاری منشی‌اشی	پنج
دایره لغوی سراینده	شش
ارزیابی نامه امام رضا (ع) به عامر بن زر اهر	شش
کتابخانه متوکی در طیس	چهارده
اوضاع آشفته ایران در اواخر عصر قاجار	چهارده
اشاره‌هایی به زندگی منشی‌باشی	چهارده
تقدیر و تشکر	شانزده
شلمغ شوروا؛ خاطرات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منشی‌باشی طیس	هفده
نسخه متن	۱
فهرست‌های متن	۵۲۳
نام‌ها	۵۲۵
جای‌ها	۵۳۴

روزنامه خاطرات منشی باشی (۱۳۳۲-۱۳۴۰ ق)

مقدمه

تاریخ خراسان، علیرغم تحقیقات بسیار پژوهشگران داخلی و خارجی در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی آن، هنوز نقاد مبهم و تاریک فراوان دارد و شاید بتوان گفت که این نقیصه زمانی برطرف خواهد شد که کلیه آثار مرزبان با تاریخ این خطه از زوایا و گوشه‌های کتابخانه‌های عمومی و شخصی به درآمده، چاپ و منتشر گردد. در همین اساس به ارائه یکی از نسخه‌های خطی تاریخ و ادب خراسان مبادرت می‌گردد.

بنا به شهادت تاریخ، طبس، همواره زادگاه و تجلی گاه بزرگان جلیل القدر است. در تمام زمینه‌های علمی، ادبی و هنری بوده است که هریک از آنان در زمینه‌های یاد شده شهرتی فراوان و بسزا یافته‌اند و نامشان در دفتر ایام و صفحات تاریخ ایران فروزان و جاودانه مانده است و حتی گاه صیت شهرتشان از مرزهای سیاسی و جغرافیایی فراتر رفته و در هند و ماوراءالنهر و عثمانی پیچیده است که یکی از این شخصیت‌های برجسته محمدعلی منشی باشی می‌باشد.

نوشتن روزنامه خاطرات، سبک و سیاقی رایج در بین رجال و فضلاء عهد قاجار بوده است. از این قاعده منشی‌باشی مستثنی نیست چرا که در طی زمانی که در دربار و دیوان عمادالملک زندگی می‌کرده است ذکر وقایع و نوشتن خاطره از دغدغه‌های اصلیش محسوب می‌شده است. روزنامه خاطرات منشی‌باشی یکی از آثار ارزشمند و گرانقدر قرن سیزدهم قمری می‌باشد که راجع به تاریخ طبس و خراسان مطالب مهمی در بردارد.

مشخصات ظاهری نسخه

این نسخه نزد آقای سید ولی‌الله رشیدی، نتیجه دختری منشی‌باشی، نگه داری می‌شود. قطع کتاب ۲۱/۵ × ۶ سانتیمتر است. رنگ جلد آن قهوه‌ای سوخته است و جلد آن ترمیم شده است. کتاب ۲۶۰ برگ و ۵۲۰ فصح دارد. تعداد خطوط و ابیات کتاب بین ۱۴ تا ۲۱ خط متغیر است. حدود ۱۰۰ صفحه از کتاب دارای حاشیه‌نویسی است. برگه‌های این نسخه شماره‌گذاری نشده‌اند اما برگه‌ها مرتب و پشت سر هم می‌باشند و در این چاپ شماره‌گذاری شده‌اند. آن چنان که از ابتدای نسخه متوجه می‌شویم چند برگ از ابتدای آن افتادگی دارد. در نسخه عنوان وجود ندارد و مطالب بدون عنوان در پی هم نوشته شده‌اند. نسخه فهرست ندارد.

نام کتاب

پس از مطالعه نسخه در می‌یابیم که منشی‌باشی دو نام برای کتاب پیشنهاد کرده است: یکی «روزنامه» که در بسیاری از صفحات نسخه، از آن با نام «روزنامه» و «روزنامه خیریه» و «روزنامه جلیله» و «روزنامه نیکو» یاد کرده است. دیگر اینکه نام «طرب» را پیشنهاد کرده است؛ دو بار یکی در صفحه ۸ و دیگری در صفحه ۴۱۵ از واژه طرب استفاده کرده است و همراه واژه طرب از واژه کرب استفاده کرده است که بیانگر اوضاع ایران در اواخر عمر منشی‌باشی است چرا که قحطی و خشکسالی از یک طرف، وقوع جنگ جهانی اول از طرف دیگر، تاخت و تازهای راهزنان و مدعیان قدرت از طرف دیگر و بی‌کفایتی دولت مرکزی هم از طرف دیگر اضلاع

مربع سیاست ایران را در اواخر عصر قاجار شکل می‌دهند. منشی‌باشی نام طرب را برای کتاب پیشنهاد می‌کند چرا که فکر می‌کرده است که اوضاع سیاسی ایران در این دوره که وی به نگارش کتاب دست زده رو به بهبودی می‌رود اما چنانکه خود اشاره می‌کند در اوضاع بهبودی حاصل نمی‌شود و حوادث کرب از دو جهت ادامه دارد یکی به خاطر اوضاع سیاسی کشور و دیگری به خاطر حال جسمانی خود منشی‌باشی که سنین پیری را می‌گذراند و از بیماری‌های جسمی متعددی رنج می‌کشیده است.

چنان که اشاره شد در دو جا از نام طرب برای کتاب استفاده شده است اما خود هم بدان آگاهی یافته که برای وی طربی حاصل نشده چرا که بلافاصله پس از طرب از واژه کرب استفاده کرده است. اما بسیار از واژه روزنامه استفاده کرده است با پسوندهایی که اشاره شد. هنگامی که نسخه را مطالعه می‌کنیم در می‌یابیم در این کتاب در حقیقت «روزنامه خاطرات منشی‌باشی» می‌باشد چرا که منشی‌باشی در این نسخه به بیان خاطرات خود بین سال‌های ۱۳۳۲ق تا ۱۳۴۰ق می‌پردازد.

کتاب نسخه

چنانکه از نام منشی‌باشی بر می‌آید وی منشی و دبیر دیوان رسائل حاکم طبس بوده است و از خطی خوش برخوردار بوده است. خود وی به کتابت این نسخه پرداخته است. نگارش متن به خط خوش و کاملاً خوانای نستعلیق می‌باشد که به آسانی امکان پیوستگی در مطالعه متن را برای محقق فراهم می‌آورد. تاکنون فردی به استنساخ این نسخه نپرداخته است. یک نکته لازم به یادآوری می‌باشد و آن اینکه منشی‌باشی رعایت امانت را در نقل گفتار و نوشتار دیگران کرده است و هر جا آیه یا حدیث یا سخنی از فرد دیگری نقل کرده است با خطی دیگر که متمایز از خط منشی‌باشی در کتاب می‌باشد نوشته است که بیانگر امانت داری وی می‌باشد.

اهمیت نسخه

ارزش بی مانند این نسخه در اطلاعات منحصر به فرد و بسیار ریزی است که مولف از آنچه دیده یا از محیطی که در آن زندگی و کار کرده است در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. اطلاعاتی که بیانگر تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، آموزشی و فرهنگی طبرستان و مناطق همجوارش در نیمه اول قرن چهاردهم قمری می‌باشد و شاید نتوان برخی از مطالب آن را در میان کتب و اسناد به جای مانده از آن دوران به دست آورد.

ارزش دیگر نسخه در این است که از راه خواندن آن با پسند شعری یکی از فرهیختگان خراسان آشنا می‌شویم و شایسته نام از میزان شهرت برخی از شاعران بزرگ ایران از جمله وصال شیرازی، قائنی، رودکی، سعدی، ناصی و مدلی در روزگار و سرزمین نویسنده آگاه می‌گردیم.

این نسخه برای پژوهشگران جامعه‌شناسی نیز مفید است چرا که در آن به آداب و رسوم و فرهنگ عامه و تشکیلات سازمانی رسم‌شده‌ها اشاره شده است.

یکی از جنبه‌های مهم کتاب، مطالبی است که درباره جغرافیای طبرستان آمده است. اطلاعات پراکنده‌ای که در خصوص محلات، مساجد، گورستان‌ها، مدارس و بازارهای طبرستان در این کتاب آمده، متنوع و گسترده است.

در این کتاب پیشرفت علمی همراه با زیرکی سیاستمداران نربنی به مقارن شده با بی‌خبری ایرانیان و سرگرم بودن به گذاشتن القاب و عناوین پرطمطراق برای یکدیگر و شنیدن قصیده‌های شاعران در مدح حاکمان و صله گرفتن از آنان و غیاشی‌های شبانه به خوبی نمودار است.

در مجموع این روزنامه فواید تاریخی و ادبی بسیاری است که مهمترین آن را در نکات زیر می‌توان خلاصه کرد:

شناختن عمادالملک و طرز زندگی و اندیشه و اخلاق شخصی و آداب دربار وی و جانشینانش

کیفیت اداره امور دیوانی و مالی و ترتیب عزل و نصب حکام و صاحب منصبان کسب اطلاعات سودمند در باب زندگی نویسندگان و کارهای علمی و ادبی او و چگونگی روابطش با رجال محلی وقوف و آگاهی بر کیفیت احوال شخصی عده‌ای از رجال طبسی و مناطق همجوار که در کتاب‌های دیگر نیست آشنا شدن بر موارد متعدد مربوط به ورود به مظاهر تمدن غرب به ایران و نحوه برخورد ایرانیان با آثار آن شرح جزئیات سفرهای عمادالملک و جانشینانش به مناطق مختلف زیر نفوذش اخذ اطلاعات تاریخی راجع به طبس و بقاع و مکان‌های تاریخی که امروزه وجود ندارند.

سودمندی‌های دیگری نیز در خواندن روزنامه خاطرات منشی باشی نهفته است که خوانندگان بسته به رویکرد و نیاز دانشی که دارند از آن بهره مند خواهند شد.

سبک شاعری و نوشتاری منشی‌باشی

در نگارش نسخه، نویسنده به تناسب موضوع از شعر، حدیث، آیات قرآن، ضرب المثل، روایت تاریخی، اسطوره، تشبیه و استعاره استفاده کرده است. نویسنده دارای نثری ساده و روان و جامع در عین اختصار است و صاحب فضل و کمال بوده است. زبان منشی باشی در اشعارش جز در بعضی ابیات روان و ریاضت. اشعار موجود، روانی، استحکام زبان و آگاهی فراوان او را از چگونگی به کار گرفتن لغات و واژگان نشان می‌دهد. در انواع قالب‌های ادبی از غزل و قصیده گرفته تا مثنوی و ترجیع بند و رباعی در اشعار وی یافت می‌شود. تلمیح به داستان‌های تاریخی و اسطوره‌ای در نسخه مشاهده می‌شود. منشی‌باشی شاعر تفکر و فلسفه نیست. رنگ فیلسوفانه در اشعارش بسیار کم رنگ می‌باشد. برای ایجاد موسیقی، منشی باشی بیشتر از بحرهای خوش آهنگ استفاده می‌کند.

منشی باشی در مواردی ترکیبات عربی را در اشعارش به کار برده که برخی به عنوان ضرب المثل به کار می‌روند. در اشعارش ماده تاریخ، بسیار دیده می‌شود که نشانگر قدرت وی در سرودن

ماده تاریخ می‌باشد. ترجیع بندهای طولانی دارد که به نظر می‌رسد با ترجیع بندهای طولانی فدایی مازندرانی که تاکنون بلندترین ترجیع بند فارسی را سروده است از نظر تعداد ابیات پهلوی می‌زند. در جواب شعر شعرای بزرگ ادبیات فارسی نظیر رودکی و حافظ شعر سروده است. اشعار بسیاری در مدح چهارده معصوم و بزرگان دین سروده است که بیانگر عشق و ارادت وی به ایشان می‌باشد.

دایره لغوی سرانده

این منظومه گنجینه گرانبهایی است از لغات و ترکیبات فارسی کهن که بعضی از آن‌ها در فرهنگ‌ها شواهد کمی دارند و بعضی از آن‌ها نادر است و در جای دیگر کمتر دیده شده است. از سوی دیگر مجموعه‌ای از واژه‌های عربی نیز در کنار این واژه‌ها دیده می‌شود که نسبت به عصر مولف که عربی مآبی رواج داشت، این ویژگی در متن، کاملاً قابل توجیه است.

ارزیابی نامه امام رضا (ع) به عامر بن زروامهر

در صفحه ۱۹۷ تا ۲۰۱ نسخه، متن نامه‌ای آمده است که منشی‌باشی معتقد است نویسنده نامه، امام رضا (ع) می‌باشد و مخاطب آن عامر بن زروامهر، حاکم طبرستان، می‌باشد. ابتدا متن نامه و ترجمه آن نامه را نقل می‌شود سپس به ارزیابی نامه پرداخته می‌شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

من علی بن موسی بن جعفر الرضا الی عامر بن زروامهر مرزبان الطبرستان سلام علیک فانی احمد الیک الله الذی لا اله الا هو استلک ان تصلی علی محمد عبده و رسوله صلی الله علیه وآله و سلم الحمد لله الاحد لصمد القاهر فوق عباده القادر علی مایشاء من امره الذی یجیر من استجاره و یعید من استعاده ملک الملوک و رب الارباب لیس احد یسابق الی نفسه ما قسم له و لا یصارف عنها

جری القلم به فاتقوا له فی السر و العلانیه اما بعد فانه عرضت لنا من الامور و الحاجه ما لا اعتمد
 علی احد بهذه الناحیه دونک و ان ائه فقد ولد من اولاد قریش من عتره النبی صلی الله علیه و آله
 قد ورثنی حزنه المسمی بالحسین قدر اهق الحلم و کان من ابن اثنی عشر سنه اسمرا اللون فی
 بیاض عینه الیمنی نقطه الحمراء فاتی الوجتین سبط الشعر طویل ساعده اطول من سائر الناس
 منذاتی علی فقدہ تسع سنین و قد بلغنا انه قصد الی هذه الناحیه بابی خراسان واقفا بهما فاسئلک
 ان تستیعن باولیائک و تتولی اثر هذا المفقود فان وجدته فبین لی بعد ما یصح عندک الصفه
 والخلیه لاقف سئلک تعاهده و بره و لطفه ازاحه علتہ ان یرد الله المتولی نجره المعظم المتفرق
 واکرم واکتب الی بما تعرضن لک بهذه الناحیه دقیقک و جلیلک تجدنی عند ذلک موفقاً ان شاء الله
 تعالی واحفظ امر الله عزوجل و وصیتہ فی سورۃ النساء الکبری ان الله یأمرکم ان تودوا الامانات
 الی اهلها و اذا حکمتکم بین الناس ان تحکموا بالعدل ان الله نعماً یعظکم به ان الله کان سمیعاً بصیراً
 حتی ذکر بعد ذلک و اولی الامر بکم ان تنازعتم فی شئیء فردوه الی الله و الرسول و السلام
 علیک و رحمۃ الله و بركاته و علی جمیع اولیائک بمسلمین المستمعین المطیعین بطاعۃ الله و
 رسوله صلی الله علیه و آله و کتب ذلک فی شعبان سنۃ تسع و تسعین و ماہ من الحرۃ النبویه.
 سواد نامه ای که آن را پیشوای آزادگان علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیه و الثناء درباره
 برادرش به حاکم طیس نوشته است.

به نام خداوند بخشنده مهربان

از علی بن موسی بن جعفر الرضا به عامر بن زروامهر مرزبان طبسین سلام بر تو، من و تو خداوند
 را ستایش می کنیم که غیر از او خدایی نیست و از تو مسئلت می کنیم بر محمد صلی الله و علیه
 و آله و سلم بنده و پیامبرش درود بفرستی، ستایش خدای یکتایی را سزااست که از همه جهانیان
 بی نیاز است و همه به او نیازمندند.

آن خدای قاهری که برتر از همه است و بر آنچه بخواهد و اراده کند تواناست خدایی که هر کس او را بخواند او را اجابت کند و آن‌کس که بدو پناه برد او را پناه دهد شاه شاهان و پرورنده پرورش‌یافتگان است و هیچ موجودی بر وجود مقدسش مقدم نیست و هیچ چیزی جایگزین او نمی‌باشد از این روی قلم بر حمد و ثنایش در گردش است باید که در نهان و آشکار از نافرمانی خدا بپرهیزید.

اما بعد کاری و نیازی برای ما پیش آمده است که در آن ناحیه جز بر تو بر هیچ کس اعتماد ندارم و آن این است که پسری از اولاد قریش و از عترت پیغمبر صلی‌الله‌علی‌وآله‌مفقود شده است که فقدانش موجب حزن و اندوه من گردیده است (این فرزند) به حسین موسوم است و نزدیک به سن بلوغ می‌رسد در سن کودکان دوازده ساله است. رنگ چهره‌اش گندم‌گون است و در سپیده چشم راستش نقطه قرمز است گونه‌هایش برجسته است و موهایش صاف و نرم است بازوانش طویل و از بازوان سایر مردم بلندتر است از زمانی که مفقود شده است نه سال می‌گذرد آگاهی یافتم که او قصد آن ناحیه در دروازه خراسان است کرده و در آن‌جا ساکن است از تو می‌خواهم که به وسیله دوستانت ما را کمک و یاری نمایی و این گم شده را پیگیری کنی و چنانچه او را یافتی پس از آن‌که صفات و مشخصاتش را نزد تو مسلم گشت مرا از جریان آگاه ساز و در این کار درنگ مکن و از تو خواستارم که با رعایت عوام و نیکی و مهربانی کنی تا این‌که خداوندی که بر همه ولایت دارد او را به خانواده بزرگوار ما پرتاب کند و پرتاب‌گشته است برگرداند و از راه کرم کارهای کوچک و بزرگی که در آن ناحیه برایت پیش می‌آید برایم بنویس که ان‌شاءالله تعالی مرا در انجام آن موفق خواهی یافت و فرمان و سفارش خدای عزوجل را که در سوره مبارکه نساء می‌فرماید حافظ باش که «ان‌الله یا‌مرکم ان تودوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتن بین الناس ان تحکموا بالعدل ان‌الله نعماً یعظکم به ان‌الله کان سمیعاً بصیراً»

و بعد از آن فرموده است که: «... و اولی الامر منکم فان تنازعتم فی شی فردوه الی الله» و سلام و رحمت خدا بر تو و جمیع دوستان مسلمانان که شنونده هستند و مطیع به طاعت خدا و پیغمبر صلی الله علیه و آله می باشند باد.

ارزیابی نامه

یک. در منابع تاریخ نگاری، رجالی، حدیثی و... که از حیث زمان، متقدم بر کتاب منشی باشی می باشد هیچ گزارشی و یا حداقل اشاره ای به این نامه نشده است. منشی باشی چنان که از آثارش پیداست تا زمان رضاخان پهلوی زنده بوده است. این اولین ضعف سندی نامه می باشد چرا که در منابع قرن سه و چهار نظیر تاریخ طبری و تاریخ یعقوبی و... باید به آن اشاره می شد. در منابع متأخرتر نظیر جامع التواریخ و تاریخ گزیده و وصاف الحضرة و غیره هم این نامه نیامده است. این امر مسأله مهمی است چرا که در منابع باید حداقل اشاره ای به این نامه می شد که نشده است و تنها در یک منبع آمده که آن هم متعلق به قرن سیزدهم قمری می باشد.

دو. اصل نامه وجود ندارد و تنها سواد آن موجود می باشد. منشی باشی اشاره می کند و می نویسد که متن نامه ای که رونویسی کرده است از روی سواد آن می باشد. این دومین ضعف سندی نامه است که اصل نامه وجود ندارد بلکه امروزه سواد آن هم وجود ندارد.

سه. پذیرش این نکته که کاغذی از سال ۱۹۹ق تا سال ۱۳۳۵ق منشی باشی نامه را استنساخ کرده است بسیار بعید می نماید چرا که امکان اینکه کاغذی بیش از هزار و صد سال باقی بماند بسیار بعید است مگر اینکه آن را با شرایط خاص محافظت کنند.

چهار. چنانچه منشی باشی خاطر نشان می کند اصل نامه در زمان خود وی هم وجود نداشته است اما سواد نامه بسیار وجود داشته است. این مسأله این فرضیه را در ذهن تقویت می کند که احتمالاً نامه ای وجود نداشته است بلکه بر اثر یک قول واهی این نامه در میان مردم شایع شده است.

پنج. پس از روی کار آمدن مأمون و جنگ‌هایی که میان او و برادرش و وصی پدرش، امین، روی داد. مأمون برای مشروعیت بخشیدن به کار نامشروع خود یعنی طغیان علیه خلیفه مشروع تصمیم به قلب و وارونه نشان دادن حقایق تاریخی می‌گیرد. چنانچه عهدنامه‌ای که میان وی و برادرانش در حضور هارون و بزرگان عباسی در مسجدالحرام امضا کرده بود را دستور می‌دهد از بین ببرند و عهدنامه‌ای جدید بنویسند که با طغیان او علیه خلیفه مشروع همخوانی داشته باشد. هیچ بعید نیست که مأمون همین کار را درباره امامزادگان از جمله حسین بن موسی (ع) انجام داده. سد لازم به توضیح است که دولت عباسیان با شعار «الرضا من آل محمد» روی کار آمد اما منظورشان از الرضا، فرزندان محمد بن علی بن عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب بوده است. پس از این امامزادگان، سیاست برای گرفتن قدرت سیاسی از عباسیان و امر به معروف و نهی از منکر قیام می‌کنند.

شش. به مرور امامان شیعه برای ارتباط با شیعیان خود شبکه وکالت را تشکیل می‌دهند که اوج آن را در زمان امام هادی (ع) و امام حسن (ع) و امام زمان (ع) مشاهده می‌کنیم. معمولاً امامان (ع) اگر می‌خواستند نامه‌ای بفرستند و یا کاری در جایی داشتند از طریق شبکه وکالت انجام می‌دادند. شیعیان هم اگر سوال داشتند و یا خدمات وکالت خود را می‌خواستند به امام برسانند از طریق وکلا انجام می‌دادند. البته افرادی هم نظیر علی بن یحیی، از یاران امام کاظم (ع)، هم بوده‌اند که در دستگاه خلافت نفوذ می‌کردند که البته اندک شمار بوده‌اند. بسیار بعید می‌نماید که امام رضا (ع) برای آگاهی از امری به کارگزار دستگاه خلافت نامه بنویسد بلکه از طریق وکلای خود را آن را پیگیری می‌کرده‌اند.

هفت. چنانچه در تاریخ طبری، الکامل ابن اثیر، تاریخ یعقوبی، اخبار الطوال دینوری، تاریخ سیستان، تاریخ بخارا، تاریخ بیهق، زین الاخبار گردیزی، تجارب الامم، جامع التواریخ و بسیاری دیگر از کتاب‌های تاریخ نگاری جستجو شد اصلاً نام فردی به نام عامر بن زروا مهر نیامده است که این امر مجعول بودن نامه را به شدت تقویت می‌کند.

هشت. به فرض پذیرش نگارش نامه توسط امام رضا (ع) به حاکم طبرس، چنانچه نامه امام رضا (ع) به وی حداقل در یک منبع ذکر شده است اما جواب نامه در هیچ منبعی ذکر نشده است. باید توجه داشت که امام رضا (ع) در آن زمان از شخصیت‌های مورد احترام جامعه محسوب می‌شده‌اند چنانچه اندکی بعد از سوی مأمون، ولیعهد دولت عباسی می‌شوند. قاعدتاً باید حاکم طبرس جواب این نامه را می‌داده است. چنانچه در نامه آمده است: «در آن ناحیه جز بر تو بر هیچ کس اعتماد ندارم». قاعدتاً وی باید فردی مورد احترام نزد امام بوده باشد که امام با این تعبیر از وی یاد کرده باشند. ما می‌بینیم که جواب نامه امام رضا (ع) در منابع منعکس نشده است. که این امر این فرضیه را تقویت می‌کند که اصلاً نامه‌ای نوشته نشده است چرا که جواب نامه هم باید نوشته می‌شد. نیز - کم طبرس شیعه نبوده است و برای امام رضا (ع) مقامی آنچنان که شیعیان قائلند قائل نبوده است - چرا که - جواب نامه را نداده است.

نه. زمان نگارش این نامه طبق نسخه خطی شلغم شورو، کتاب دیگر منشی باشی، و نیز مقاله امامزاده طبرس اثر محمدرضا اظهري^۱ سال ۱۹۹۰ قمری می‌باشد و در این سال فردی که در این نامه از او یاد شده است دوازده ساله می‌باشد. نکته جالب توجه این است که هارون در سال ۱۷۹ ق پس از سفر حج دستور حبس امام کاظم (ع) را می‌دهد^۲ زندانی که چهار سال به درازا کشیده بود و سرانجام امام موسی کاظم (ع) در سال ۱۸۳ ق در زندان به شهادت می‌رسند.^۳ هنگامی که امام موسی کاظم را روانه زندان می‌کنند جز بعضی شمال باس کسی نمی‌دانست که امام در کجا به سر می‌برند و چندین بار زندان امام را عوض کردند پس قاعدتاً هیچ کدام از همسران امام (ع) در مدت این چهار سال با ایشان زندگی نمی‌کرده‌اند.

۱ محمدرضا اظهري، «امامزاده طبرس»، مندرج در محمد باقری، طبرس پژوهی (مجموعه مقالات)، مشهد: خانه آبی، ۱۳۹۴، صص ۳-۹.

۲ تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۲، الکامل، ج ۶، ص ۱۶۶، احتجاج، ج ۲، ص ۱۶۵، نهایه الارب، ج ۲۲، ص ۱۳۴.

۳ عیون الاخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۰۴، خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۳، مسار الشیعه، ص ۳۶، مصباح المجتهد، ص ۵۶۶.